

Designing a financing model for profit-oriented sports with emphasis on women's sports

Article Info

Article type:

Research Article

ABSTRACT

Introduction: The purpose of this study was to design a financing model for profit-oriented sports with an emphasis on women's sports.

Methods: This research is exploratory in terms of the type of purpose and qualitative research in terms of the type of strategy, in which the data theory of the foundation method was used. Participants in the study were experts in the field of women's sports who were selected according to the method of purposeful sampling and theoretical saturation equal to 15 people. Three overlapping processes of open coding, axial coding, and selective coding were used to analyze the data, and the Lincoln and Guba (1985) criteria used, which are based on reliability, transferability, reliability, and verifiability, were used for reliability and generalizability.

Results: According to the research findings in the open coding section 114 concepts, in the axial coding section 20 sub-categories and finally in the selective coding stage 5 main categories (causal conditions, contextual conditions, interfering conditions, strategies and consequences) Counted.

Conclusion: Based on the research findings, it is suggested to the relevant authorities to pay attention to these categories and their sub-categories in financing..

Keywords:

Financing, recession, profit-oriented sports, women's sports

Cite this article:



© The Author(s). Publisher: University of Tehran, Faculty of SportSciences and Health.



طراحی مدل تأمین مالی ورزش‌های سودمحور با تأکید بر ورزش زنان

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی
مقدمه: هدف این تحقیق طراحی مدل تأمین مالی ورزش‌های سودمحور با تأکید بر ورزش زنان بود.

روش پژوهش: این پژوهش از نظر نوع هدف، اکتشافی و از نظر نوع راهبرد، پژوهش کیفی است که در روش اجرای آن از روش نظریه داده بنیاد استفاده شد. مشارکت‌کنندگان در تحقیق صاحب‌نظران حوزه ورزش زنان بودند که مطابق با روش نمونه-گیری هدفمند و اشباع نظری برابر با 15 نفر انتخاب شدند. سه فرایند هم‌پوش کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی جهت تحلیل داده‌ها استفاده شد و جهت اعتمادپذیری و تعمیم‌پذیری از معیارهای لینکلن و گوبا (1985) که مبتنی بر باورپذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری است، استفاده گردید.

کلیدواژه‌ها:
 تأمین مالی، رکود اقتصادی، ورزش-های سودمحور، ورزش زنان.

یافته‌ها: مطابق با یافته‌های تحقیق در بخش کدگذاری باز 114 مفهوم، در بخش کدگذاری محوری تعداد 20 مقوله فرعی و در نهایت در مرحله کدگذاری گزینشی تعداد 5 مقوله اصلی (شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) احصاء شد.

نتیجه‌گیری: با اقتباس از یافته‌های تحقیق به مسئولان مربوطه پیشنهاد می‌شود در تأمین مالی به این مقوله‌ها و زیرمقوله‌های آن‌ها اهمیت دهند.

استناد:

DOI: <http://doi.org/10.22089/smrj.2022.11566.3515>

ناشر: دانشگاه تهران، دانشکده علوم ورزشی و تندرستی. © نویسندگان.



مقدمه

توسعه و اعتلای تربیت‌بدنی و ورزش در جامعه از یک سو مربوط به تحول سازنده و مثبت در برنامه‌های جاری ورزشی است و از سوی دیگر مربوط به این است که به ورزش زنان توجه شود (1). از طرفی توجه به سلامتی زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت که سهم مهمی از نیروی کار را تشکیل می‌دهند و رسالت مهم فرزندآوری را نیز بر عهده دارند، از اهمیت زیادی برخوردار است. براین‌اساس مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی یکی از راه‌های مهم تأمین سلامت روانی و جسمانی آنهاست (2). با این‌حال ورزش زنان همچنان یک موضوع مورد مناقشه است (3). این در حالی است که زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند اما در بخش ورزش، زنان به حاشیه رانده می‌شوند (4). به‌طوری که نرخ مشارکت در ورزش زنان و دختران به نسبت مردان در سطح بسیار پایینی قرار دارد. این خلاء در نتیجه موانع بی‌شماری ایجاد شده است که می‌توان آن‌ها را در قالب موانع عملی¹ (برای مثال نداشتن زمان)، فردی² (برای مثال پایین بودن اعتماد به نفس)، فرهنگی و اجتماعی³ (برای مثال غالب بودن فرهنگ ورزش مردانه محور) و مالی⁴ (برای مثال نداشتن حامی مالی) دسته‌بندی کرد و این موانع در نگرش و رفتار زنان و دختران نقش قابل توجهی دارند و همواره مانع توسعه سطح مشارکت آن‌ها در ورزش و به‌طور کلی توسعه ورزش زنان بوده است (5).

در این بین موانع مالی، اساسی‌ترین مانعی به‌شمار می‌روند که اثر منفی بر توسعه و گسترش ورزش در ارکان مختلف می‌گذارد (6). این موانع نتیجه رکود اقتصادی، مشکلات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری متعدد و بسیاری از مسائل مانند سیستم‌های بروکراتیک و ناکارآمد و به‌طور برجسته نبود یک الگوی تأمین مالی مشخص و منسجم است (7). تأمین مالی⁵، اصطلاحاً به فرایند تمرکز منابع مالی یا سرمایه به‌صورت میان مدت و بلندمدت اطلاق می‌گردد (8) و شاخه‌ای از علم مدیریت مالی به شماره می‌رود که به موضوع فراهم کردن سرمایه برای اشخاص، کسب و کارها و دولت‌ها می‌پردازد. تأمین مالی به نهادهای مالی اجازه می‌دهد تا به جای در دست داشتن پول نقد از اعتبار برای خرید کالا، سرمایه‌گذاری در پژوهش یا دیگر مبادلات اقتصادی خود استفاده کنند (9).

نظربه‌اینکه الگوی تأمین مالی یک عامل درون‌سیستمی است و کارایی و اثربخشی آن به‌طور مستقیم با پیشرفت و پسرفت ورزش ارتباط دارد و دیگر عوامل بیشتر خارج سیستمی هستند، ارائه یک الگوی تأمین مالی در ورزش همواره جزء فعالیت‌های بنیادی سازمان‌های ورزشی بوده است و کشورها هر کدام به‌طور جداگانه روش‌های مختلفی برای تأمین مالی در نظر گرفته‌اند (7). اما این مهم در ورزش بانوان به‌طور خاص در ارتباط با ورزش‌های سودمحور کمتر

1. Practical barriers

2. personal

3. social and culture

4. financial

5. Sport finance

مورد توجه قرار گرفته است، شاید به این دلیل که در تحقیقات گذشته به تأمین مالی ورزش زنان به‌عنوان یک نهاد توجه نشده است و بررسی نشده است که این نهاد تابع چه ستاده‌های قرار دارد. این در حالی است که پیش‌تر به موضوع تأمین مالی در سایر زمینه‌های ورزش به‌طور خاص ورزش مردان توجه و اهتمام لازم بعمل آمده است و مشخص شده است تأمین مالی در ورزش تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. برای مثال رضایی صوفی و شعبانی (1393) در مطالعه‌ای نشان دادند رسانه‌های جمعی در تأمین منابع مالی صنعت ورزش نقش دارند (10). در تحقیقی دیگر کاظمی، زعفریان، خدایاری و جوادی‌نیا (1393) گزارش کردند که تأمین مالی تحت تأثیر فرصت‌های کسب و کار، فرصت‌های خدماتی و بازاریابی است (11). حجازی (1396) نیز نشان داد تأمین مالی تحت تأثیر شیوه‌های تأمین قرار دارد، همچنین کمک‌های مستقیم دولت، حق پخش تلویزیونی، درآمد روز مسابقه در تأمین مالی مؤثر هستند (12). در مطالعه‌ای دیگر محسنی‌فر، دوستی‌پاشا و تابش (1397) نشان دادند تأمین مالی در ورزش ایران متأثر از نبود حق پخش تلویزیونی، خلاء و ابهامات قانونی جذب اسپانسر، مالکیت دولتی، عدم تناسب و هماهنگی برنامه‌های خصوصی‌سازی با قوانین کار و تأمین عمده منابع مالی باشگاه‌های حرفه‌ای توسط نهادهای دولتی است (13). همچنین تسلیمی، همتی‌نژاد، قلیزاده و پاسوار (1398) نشان دادند بین وضع موجود و مطلوب تأمین مالی در ورزش ایران به دلیل شرایط زمینه‌ای (دولت، رسانه، عوامل قانونی و حقوقی، عوامل سیاسی، عوامل فرهنگی و اجتماعی، عوامل حاکمیتی، عوامل نهادی، عوامل تجاری و اقتصادی) و شرایط علی (مدیریت، نظارت و ارزیابی، ماهیت حقوقی، فدراسیون‌ها، امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، مهندسی مالی، ساختار و قابلیت‌های سازمانی، بودجه، شکاف‌های قانونی، برنامه‌ریزی) فاصله وجود دارد. براین اساس لازم است در عمل ارتقاء نظام مدیریت، تنوع بخشی و افزایش سهم اعتبارات ورزش پایه، ارتقاء جایگاه و توسعه ورزش‌های پایه، بهینه‌سازی نظام حقوقی و قانونی در دستور کار مدیران و متولیان مربوطه قرار گیرد تا از طریق آن کانال‌های تأمین مالی، افزایش بهره‌وری و پوشش هزینه‌ها بهبود پیدا کند (14). علاوه بر این، خسروی‌پور، ریحانی و تسلیمی (1400) با بررسی تأمین مالی استارت‌آپ‌های ورزشی نشان دادند ظرفیت‌های بازار استارت‌آپ‌ها و شبکه حمایت محیطی بر عملکرد تأمین مالی آن تأثیر معناداری دارند (15). در مطالعه‌ای دیگر کوسیولک¹ (2019) نشان داد بخشی از تأمین مالی باشگاه‌های ورزشی از طریق یارانه‌های دولتی، هزینه عضویت و فعالیت‌های تجاری حاصل می‌گردد (16). گایو، روبرتی و ورنّا² (2019) نیز نشان دادند مقررات بازی‌های دوستانه مؤثر بر تأمین مالی در

¹. Kościółek

². Ghio, Ruberti & Verona

ورزش است (17). علاوه بر این، فوهنر، اشمیت و اسپریر¹ (2021) به تنوع محصول و تنوع جغرافیایی اشاره داشتند (18). سرانجام ارکوک و مصطفی² (2021) نشان دادند که ارزش بازار و امتیازات لیگ به طور مثبت بر ارزش سهام باشگاه تأثیر می‌گذارند (19).

استورات³ (2017) معتقد است در طول سالیان گذشته ورزش از دیدگاه مدیریت مالی به دلیل اینکه مدیریت مالی به اندازه مشارکت و رضایت از رقابت مهم نبوده، بیشتر سازمان‌های ورزشی به شکل سنتی در یک مقیاس کوچک فعالیت می‌کردند و اینکه به ورزش به‌عنوان چیزی متفاوت از تجارت نگریسته می‌شود و در نتیجه نیاز اساسی به سیستم‌های پیشرفته مدیریت مالی احساس نمی‌شود، در بخش تجارت پنهان شده است. اما به مرور زمان این شرایط تغییر کرده است، به طوری که حتی ورزش‌های در مقیاس کوچک در حال حاضر قابلیت‌های سوددهی مالی خود را در تقابل رقابتی از دیگر فعالیت‌های ورزشی تأمین می‌کنند. با این حال رشد ورزش حرفه‌ای در جهان همچنان نیازمند مدیریت مالی دقیق است، چرا که رکود اقتصاد ملی، ناکافی بودن بودجه ورزش با توجه به تورم موجود در جامعه و دیگر مسائل مربوطه مسئولین ورزش و نهادهای ورزشی را به سمت درآمدزایی و تأمین مالی از کانال‌های مختلف سوق داده است (20). این مهم در کشورهای توسعه نیافته از جمله ایران که اکثر سازمان‌ها و نهادهای ورزشی آن به طور خاص ورزش بانوان منابع مالی‌شان در ابعاد مختلف وابسته به منابع دولتی است و اکثر قریب به اتفاق آن‌ها منابع مالی خود را از این طریق کسب می‌کنند، به مراتب اهمیت بیشتری دارد. گرچه مسئله تأمین مالی در بخش‌های ورزشی تحت تأثیر متغیرهای متفاوتی در سطوح کلان، میانی و خرد است و بایستی به صورت یکپارچه و منسجم به آن‌ها توجه شود، مسئله تأمین مالی به شدت تحت تأثیر شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی ملتها قرار دارد و شاخص‌های مذکور نیز در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه متفاوت است. لذا لازم است الگوی تأمین مالی بومی که با شرایط و ساختار ورزش بانوان در ایران سازگار باشد و طراحی شود.

از آنجائی که صنعت ورزش شامل انواع مختلفی از سازمان‌های ورزشی حرفه‌ای تجاری و آماتور است و عملکرد مالی آن‌ها تفاوت ریشه‌ای دارد (21). ضروری است تأکید شود که در این پژوهش به طراحی مدل تأمین مالی ورزش‌های سودمحور⁴ پرداخته می‌شود. ورزش‌های سود محور زیر مجموعه یکی از دسته‌بندی‌های هدف فعالیت‌های ورزشی است. براساس هدف فعالیت‌های ورزشی دو نوع خدمت ورزشی به نام ورزش‌های انجمن‌محور و ورزش‌های سودمحور ارائه می‌شود. در ورزش‌های انجمن‌محور هدف اصلی به حداقل رساندن سود برای قهرمانان می‌باشد

¹. Fühner, Schmidt & Schreyer

². Erkoçak & Mustafa

³. Stewart

⁴. For-Profit

و ابعاد مالی دارای اهمیت ثانویه است یعنی سود مرتبط با فعالیت ورزشی وجود ندارد یا حتی سود ثانویه ندارد. برعکس در ورزش‌های سودمحور یا به اصطلاح سودمدار هدف اصلی حداکثرسازی سود برای مالک فعالیت ورزشی یا رویداد ورزشی است. در اینجا ابعاد مالی اهمیت اولیه دارند، مأموریت اصلی سازمان‌دهندگان فعالیت ورزشی ایجاد سود برای مالکان است (22). به موجب اینکه در کشورهای در حال توسعه برخی نگرانی‌های اقتصادی وجود دارد، در متون اقتصادی آن‌ها به مسائل اقتصادی در جنبه‌های مختلف چندان توجه نشده است، اکثر قریب به اتفاق مطالعات انجام شده در بطن اقتصاد رابطه بین توسعه اقتصادی و عملکرد ورزشی در رویدادهای مهم ورزشی را بررسی کرده‌اند، با پیشرفت بازیکنان ورزشی به طور خاص ورزش زنان میل به انتقال و مهاجرت آن‌ها به بازارهای کار اروپایی و آمریکایی افزایش یافته است، لازم است مدل ورزشی برای تأمین مالی ورزش‌های سودمحور مخصوص این کشورها طراحی شود. با طراحی مدل تأمین مالی ورزش‌های سودمحور در ارتباط با ورزش زنان، دانش مربوط به مسائل اقتصادی در ورزش پیشرفت پیدا می‌کند. کما اینکه مطالعه حاضر یکی از اولین تلاش‌ها برای بررسی تأمین منابع مالی ورزش زنان است. همچنین این تحقیق شواهد تجربی را فراهم می‌کند که درک ما را از نحوه تأمین منابع مالی ورزش زنان گسترش می‌دهد. از طرفی از بعد روش‌شناختی می‌توان یک ابزار اندازه‌گیری برای تأمین منابع مالی در ورزش زنان ایجاد کرد که مبتنی بر آن روش‌های تأمین منابع مالی را ارزیابی کرد. و از این ابزار نه تنها می‌توان برای ادامه تلاش‌های آکادمیک در این حوزه استفاده کرد بلکه برای بررسی میدانی نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. سرانجام انتظار می‌رود یافته‌های این تحقیق به مدیران ورزشی در جهت تأمین بهینه منابع مالی ورزش زنان با در نظر گرفتن آینده پیشروی آن کمک کند.

روش

این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش گردآوری در زمره پژوهش‌های کیفی است و با استفاده از روش نظریه داده بنیاد رویکرد نظام‌مند (اشتراوس و کوربین) انجام شد. جامعه آماری این پژوهش را صاحب‌نظران، اساتید دانشگاه و مدیران زن تشکیل می‌دادند. جهت نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و نمونه‌گیری تا رسیدن به حد اشباع نظری ادامه پیدا کرد، براین مبنا تعداد 15 مصاحبه انجام گرفت. برای جمع‌آوری اطلاعات، از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. جهت بررسی کیفیت و اعتباربخشی به نتایج پژوهش حاضر معیارهای ارزشیابی لینکلن و گابا¹ (1985) شامل معیارهای اعتبار، انتقال، قابلیت اعتماد و تأییدپذیری مدنظر قرار گرفتند. در ادامه، ضمن بررسی مورد به مورد هر یک از این معیارها، به برخی راهبردهای مناسب برای

¹. Lincoln & Guba

برآورده ساختن این معیارها در پژوهش حاضر نیز اشاره شده است. اعتبار: به واقعی بودن توصیفها و یافته‌های پژوهش اشاره دارد و عبارت است از درجه اعتماد شرکت‌کنندگان در پژوهش، به واقعی بودن یافته‌ها و زمینه‌ای که این پژوهش در آن انجام شده است. برای دستیابی به این معیار، در پژوهش حاضر متن مصاحبه و کدهای استخراج شده برای مشارکت‌کنندگان در مصاحبه ارسال و نقطه نظرات آنها اعمال شد. انتقال‌پذیری: به این مطلب اشاره دارد که یافته‌های مطالعه تا چه حد در دیگر گروه‌ها یا مکان‌ها قابل انتقال یا استفاده است. در پژوهش حاضر، به منظور دستیابی به این معیار از روش‌های زیر استفاده شد: الف، مستندسازی: تمام مراحل پژوهش برای استفاده احتمالی محققان دیگر به صورت مکتوب مستندسازی شد. ب، گزارش شرایط زمینه‌ای: شرایط جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان به صورت تفصیلی ارائه شد. قابلیت اعتماد: به پایداری داده‌ها در طول زمان و شرایط متفاوت اشاره دارد. در پژوهش حاضر دستیابی به این معیار از طریق روش زیر انجام گرفت: الف، استفاده از دوکگذار: بدین منظور از یکی از متخصصان حوزه مدیریت در فرایند کدگذاری در پژوهش کمک گرفته شد. به صورت تصادفی دو مصاحبه انتخاب شد و پس از آموزش‌های لازم کدگذاری توسط ایشان انجام گرفت. در هر یک از مصاحبه‌ها کدهایی که از نظر دو نفر مشابه بودند، با عنوان توافق و کدهای غیرمشابه با عنوان عدم توافق مشخص شدند و درصد توافق بین دو کدگذار با استفاده از فرمول زیر محاسبه شد و نتایج آن در قالب جدول (1) ارائه شد.

جدول 1- نتایج بررسی پایایی بین دو کدگذار

| شماره مصاحبه | کل کدها | توافقات | عدم توافقات | درصد پایایی |
|--------------|---------|---------|-------------|-------------|
| 1 | 9 | 4 | 1 | 0/888 |
| 10 | 12 | 5 | 2 | 0/833 |
| مجموع | 21 | 9 | 3 | 0/875 |

همان‌طور که داده‌های جدول نشان می‌دهد، پایایی کل بین دو کدگذار برابر با 85 درصد است. با توجه به این‌که پایایی بیش از 60 درصد است قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها تأیید شد. تأییدپذیری: نشان‌دهنده ارتباط داده‌ها با منابع و ظهور نتایج و تفاسیر از این منابع است. بدین منظور در پژوهش حاضر از روش‌های زیر استفاده شد: الف، ارزیابی متخصصان خارج از فرایند پژوهش: نتایج این پژوهش در اختیار چند تن از اساتید دانشگاه خارج از فرایند پژوهش قرار گرفت. پس از مطالعه و بازبینی ایشان نظرات آنها اخذ شد. ب، تشریح فرایند پژوهش: در متن حاضر مراحل پژوهش اعم از جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل و شکل‌گیری درون‌مایه‌ها، به منظور فراهم آوردن امکان ممیزی پژوهش برای مخاطبان و خوانندگان تشریح شده است. سرانجام به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از سه فرایند همپوش کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری نظری استفاده شد.

در این پژوهش به منظور رسیدن به هدف اصلی پژوهش با 15 نفر از صاحب‌نظران مصاحبه شد. اطلاعات جمعیت‌شناختی این افراد در جدول (2) قابل مشاهده است.

جدول 2- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در تحقیق

| ردیف | جنسیت | تحصیلات | رشته تحصیلی | حوزه فعالیت دانشگاه اجرایی |
|------|-------|---------------|-------------------------|----------------------------|
| 1 | زن | دکتری | مدیریت ورزشی | ✓ |
| 2 | زن | دانشجوی دکتری | مدیریت ورزشی | ✓ |
| 3 | زن | کارشناسی | تربیت‌بدنی و علوم ورزشی | ✓ |
| 4 | مرد | دکتری | مدیریت ورزشی | ✓ |
| 5 | زن | کارشناسی-ارشد | مدیریت ورزشی | ✓ |
| 6 | مرد | دکتری | مدیریت ورزشی | ✓ |
| 7 | مرد | دکتری | مدیریت ورزشی | ✓ |
| 8 | مرد | دکتری | مدیریت ورزشی | ✓ |
| 9 | مرد | دکتری | مدیریت ورزشی | ✓ |
| 10 | مرد | دکتری | مدیریت ورزشی | ✓ |
| 11 | مرد | دکتری | مدیریت ورزشی | ✓ |
| 12 | زن | کارشناسی-ارشد | مدیریت ورزشی | ✓ |
| 13 | زن | دانشجوی دکتری | مدیریت ورزشی | ✓ |
| 14 | زن | کارشناسی | تربیت‌بدنی و علوم ورزشی | ✓ |
| 15 | زن | دکتری | مدیریت ورزشی | ✓ |

با اقتباس از متن همه مصاحبه‌ها در مرحله کدگذاری باز تعداد 114 مفهوم یا کد اولیه شناسایی شد. سپس در مرحله کدگذاری محوری با در نظر گرفتن قرابت معنایی مفاهیم شناسایی شده 20 مقوله فرعی شامل پوشش ورزش زنان، نابرابری جنسیتی، حمایت از ورزش زنان، جنبه‌های تجاری، شکاف قانونی، جنبه‌های مدیریتی، عوامل حاکمیتی، بودجه، حمایت دولت، ورود شرکاء حقوقی، تقویت تصویر ورزش زنان، هدفمندسازی درآمدزایی، تأمین وجوه سرمایه‌ای، تأمین وجوه از رویدادها، تأمین وجوه از اماکن در اختیار، تجاری‌سازی ورزش زنان، تأمین وجوه از حامیان مالی، پیشرفت و بهبود وضعیت اماکن ورزشی، افزایش بهره‌وری و پوشش هزینه‌ها و ترویج ورزش زنان تشکیل گردید. سرانجام براساس مقوله‌های فرعی، 5 مقوله اصلی شامل عوامل علی، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها تشکیل گردید. در جدول (3) نحوه فرایند کدگذاری مشخص شده است. ذکر این نکته حائز اهمیت است که برخی از کدهای شرایط علی، زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر با بار منفی استخراج شده است، به این دلیل که از نظر مشارکت‌کنندگان در تحقیق، تأمین مالی متأثر از محرک‌ها، متغیرها و عوامل مختلفی است که اثرگذاری یکسانی بر تأمین مالی ندارد. به‌طوری که برخی از عوامل نقش شتاب‌دهنده و برخی نیز نقش بازدارنده دارند. از این‌رو در این

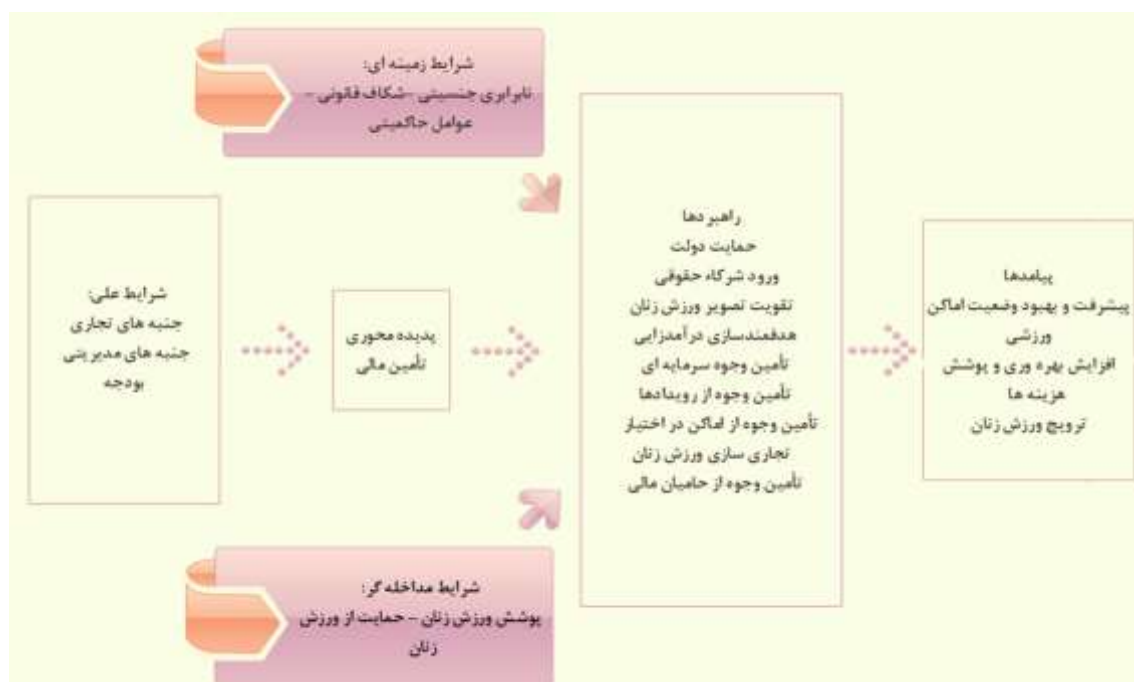
تحقیق کدهای با بار منفی و مثبت به‌طور همزمان منعکس شده است و راهبردهای استخراج شده در پاسخ به این شرایط تدوین شده است. جدول 3- نتایج حاصل از فرایند کدگذاری باز، محوری و گزینشی

| مقوله اصلی | مقوله فرعی | مفاهیم | کد مصاحبه |
|-----------------|------------------|--|------------------------------|
| | | تعریف نشدن مجرای درآمد مالی در ورزش ایران | P9 |
| | | نبود چشم‌انداز سودآوری در باشگاه‌ها | P9 |
| | | پرداخت نشدن اعتبارات مالی تصویب شده | P2 |
| | جنبه‌های تجاری | عدم شناخت الزامات تأمین مالی | P9 |
| | | نبود برون‌سپاری | P4 |
| | | هزینه بر بودن تبلیغات در سطح فضای شهر | P5 |
| | | درآمدها نبودن لیگ‌های ورزشی زنان | P6 |
| | | هزینه محور بودن باشگاه‌های ورزشی در ایران | P4 |
| شرایط علی | | صلیقه‌ای عمل کردن مدیران ستادی نسبت به ورزش زنان | P2, P5, P10 |
| | جنبه‌های مدیریتی | نبود برنامه‌ریزی مدون و راهبردی در حوزه ورزش زنان | P12, P13, P14 |
| | | نبود نظارت | P13 |
| | | توجه نکردن مدیران به ورزش زنان | P12, P14 |
| | | عدم بکارگیری مدیران زن در رأس فدارسیون‌ها | P12 |
| | | تعویض در دادن بودجه مصوب به فدارسیون‌ها | P12, P13 |
| | بودجه | تأمین مالی مبتنی بر بدهی | P9 |
| | | چالش تخصیص بودجه براساس نتیجه | P12 |
| | | چالش تخصیص بودجه براساس مخاطب | P14 |
| | | سلطه ورزش مردان | P4, P6, P7, P10 |
| | | فرهنگ مردسالارانه | P10 |
| | نابرابری جنسیتی | نگاه منفی جامعه به ورزش زنان | P1, P2, P5, P8 |
| | | نابرابری دستمزدها نسبت به ورزش مردان | P3, P7 |
| | | محدودیت تجهیزات و امکانات در بخش ورزش زنان به نسبت مردان | P5 |
| | | عدم حضور زنان در ورزشگاه‌ها | P1, P4, P10 |
| | | نابرابری تخصیص بودجه | P8 |
| شرایط زمینه‌ای | | دولتی و شبهه دولتی باشگاه‌های ورزشی در کشور | P4, P8 |
| | شکاف قانونی | استفاده از رانته‌های دولتی برای تأمین مالی | P2, P4 |
| | | محدودیت‌های قانونی | P1, P5, P9 |
| | | محدودیت حجاب | P1, P5, P7, P8 |
| | | رعایت نشدن حقوق برند در ایران | P4, P15 |
| | عوامل حاکمیتی | ضعف در سیاست‌گذاری‌های کلان ورزش زنان | P12, P14 |
| | | جایگاه نامناسب ورزش زنان در کشور | P12 |
| | | ساختار نامناسب ورزش زنان در کشور | P13, P14 |
| | | ضعف در یکپارچگی نظام ورزش زنان | P12 |
| | پوشش ورزش زنان | عدم پوشش رسانه‌ای ورزش زنان | P1, P4, P5, P6, P7, P10, P11 |
| شرایط مداخله‌گر | | عدم اطلاع‌رسانی از ورزش زنان | P1 |
| | | ناشناخته بودن ورزش زنان | P1, P5, P11 |

| | | |
|------------------------|--|-------------------------|
| | حمایت نکردن هیات‌ها از ورزش زنان | P2, P5, P7 |
| | حمایت نکردن سازمان‌های ورزشی از ورزش زنان | P8 |
| حمایت از ورزش زنان | تجربه منفی حامیان مالی از ورزش زنان | P2, P5 |
| | عدم حمایت اسپانسرها از ورزش زنان | P1, P4, P5, P6, P8, P11 |
| | عدم حمایت مسئولین ستاد از ورزش زنان | P2, P5, P7, P10 |
| | توسعه لیگ های زنان از جانب دولت | P6, P9, P11 |
| | حمایت وزارت ورزش و جوانان از ورزش زنان | P10, P15 |
| حمایت دولت | فراهم‌سازی بسترهای سخت‌افزاری از جانب دولت | P6, P9, P11 |
| | فراهم‌سازی امکانات رسانه ای از سوی دولت | P6, P9, P11 |
| | دادن حق پخش به سازمان‌های طرف هم-کاری | P12, P13 |
| ورود شرکاء حقوقی | دادن شخصیت حقوقی به شرکاء حقوقی | P12 |
| | استفاده از ظرفیت شرکاء حقوقی | P14 |
| | دریافت حمایت مالی از جانب شرکاء حقوقی | P13, P14 |
| | برندسازی ورزش زنان | P11 |
| | تغییر نگاه جامعه به ورزش زن | P11 |
| | نهادینه‌سازی ورزش نزد جامعه زنان | P1, P7, P9, P11 |
| | راه اندازی کمپین | P9 |
| | پوشش رسانه‌ای ورزش زنان | P5, P8, P9 |
| تقویت تصویر ورزش زنان | جذب هوادار | P4, P8, P15 |
| | جذب بازیکنان و مربیان ستاره | P4 |
| | مهم تلقی شدن ورزش بانوان نزد جامعه | P1, P3, P7, P11 |
| | دیده شدن رویدادهای ورزشی زنان | P9 |
| راهبردها | استفاده از ظرفیت منابع انسانی زنان | P9 |
| | برابر بودن زنان و مردان در قانون | P3, P15 |
| | باز تعریف ورزش کردن زنان در فرهنگ | P10 |
| | حمایت باشگاه‌ها از ورزش زنان | P3, P7, P11 |
| | درآمدزایی متمرکز | P12 |
| هدفمندسازی درآمدزایی | تمرکز گرایی به هنگام درخواست از خیرین بالقوه | P12, P13 |
| | هدایت درآمدزایی توسط هیات | P12 |
| | تأسیس کمیته بازاریابی در باشگاه‌ها | P4 |
| | وام و استقراض | P4 |
| تأمین وجوه سرمایه‌ای | عرضه سهام باشگاه‌های ورزشی زنان | P4, P9, P15 |
| | حق امتیاز عضویت | P2 |
| | موزه باشگاه | P9 |
| | تقسیم سود سهام | P12 |
| | برگزاری رویدادهای سالیانه | P13 |
| | فروش حق امتیاز برند برای رویدادهای مختلف | P13, P14 |
| تأمین وجوه از رویدادها | عواید حاصل از حق پخش رویدادهای ورزشی | P4, P7, P9 |
| | تبلیغات محیطی | P4 |
| | فروش کالاهای ورزشی | P4, P7, P9 |
| | عواید حاصل از بلیت فروشی | P9 |
| | اجاره اماکن به سازمان‌های دولتی | P4, P8, P9 |
| | اجاره اماکن به نهادهای آموزشی | P12 |

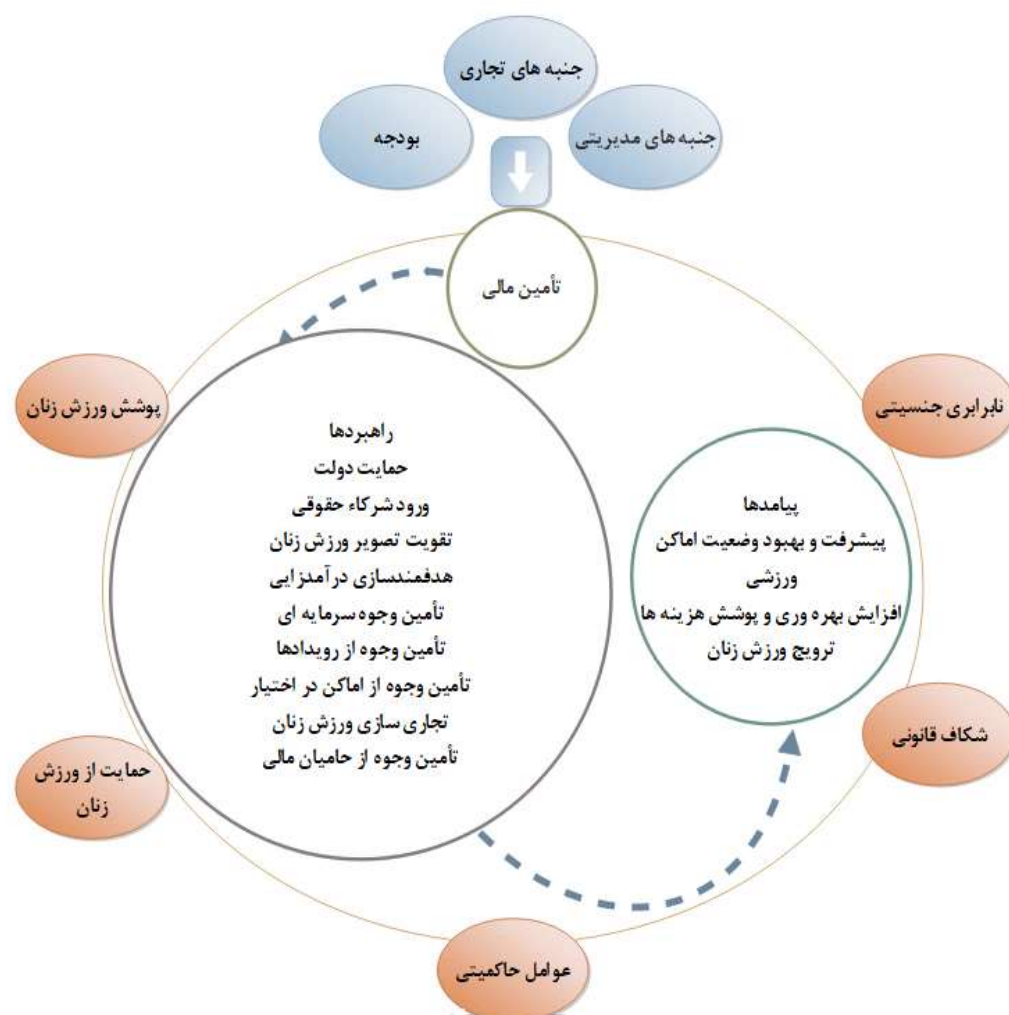
| | | |
|----------------------------------|--|---------------------|
| تأمین وجوه از اماکن در اختیار | در اختیار قرار دادن اماکن به حامیان مالی | P14 |
| | اجاره اماکن به سازمان‌های خصوصی | P4, P7, P8, P9 |
| | ورود باشگاه‌های فعال حوزه ورزش زنان به بازار سرمایه | P4, P7, P9 |
| | حرفه‌ای شدن لیگ‌های ورزشی | P4 |
| | تعریف باشگاه‌های ورزشی به عنوان بنگاه اقتصادی | P9, P15 |
| تجاری‌سازی ورزش زنان | انجام اقدامات بازاریابی | P1 |
| | سرمایه‌گذاری روی برند ورزش زنان | P4 |
| | کاهش مالیات شرکت‌های حامی ورزش زنان | P2, P5 |
| | تخصیص اعتبارات مالی برابر با جایگاه ساختاری زنان در ورزش | P2 |
| | ورود بخش خصوصی به ورزش زنان | P1 |
| | تبلیغ محصولات شرکت‌های حامی ورزش زنان | P2 |
| | دایر کردن مؤسسه‌های مردم نهاد حامی ورزش زنان | P2 |
| تأمین وجوه از حامیان مالی | استفاده از حامیان مالی داخلی | P4, P7 |
| | استفاده از حامیان مالی خارجی | P4, P7 |
| | استفاده از اسپانسرهای محلی و منطقی اسپانسرهای خیرخواه | P4, P15 |
| | ثبات حامیان مالی | P10 |
| | استفاده از لگوی باشگاه ورزشی بر روی محصولات غیرورزشی | P3 |
| | | P4 |
| پیشرفت و بهبود وضعیت اماکن ورزشی | افزودن تعداد زمین‌ها | P2, P4, P8, P11 |
| | ساخت بناهای ورزشی مختص زنان | P2, P5, P8 |
| | نوسازی بخش‌های مختلف باشگاه | P1, P6, P7, P9, P15 |
| | بازگشت سرمایه | P3, P10, P12 |
| | جذب مشتریان بالقوه | P1, P3, P4 |
| | جذب کمک‌های مالی و معنوی | P12, P14 |
| افزایش بهره‌وری و پوشش هزینه‌ها | تأمین بخشی از هزینه‌ها توسط حامیان | P6, P15 |
| | جلوگیری از اتلاف منابع | P12 |
| | جذب شریکانی با شهرت و برند ملی و جهانی | P3, P4, P8, P12 |
| | افزایش تأمین کانال‌های مالی | P13 |
| | خودکفایی در هزینه‌های جاری | P4, P5, P7, P13 |
| | تولید منابع مالی | P3, P9 |
| | افزایش قدرت نفوذی ورزش‌های مورد نظر | P6 |
| | افزایش توجه دولت به ورزش زنان | P11, P12 |
| ترویج ورزش زنان | افزایش تعداد ورزشکاران زن | P11, P15 |
| | افزایش توجه رسانه‌ها به ورزش زنان | P9, P10, P11 |
| | تشویق زنان به انجام ورزش حرفه‌ای | P8, P10, P11, P14 |

در ادامه با انتخاب یک مقوله به‌عنوان پدیده مرکزی ارتباط دیگر مقوله‌های احصاء شده در کدگذاری محوری با آن در قالب شکل شماره (1) نمایه شد.



شکل 1- مدل پارادایمی تأمین مالی ورزش‌های سودمحور

بر اساس نتایج برخاسته از داده‌ها تأمین مالی ورزش‌های سودمحور با تأکید بر ورزش زنان تحت تأثیر شرایط علی است. در واقع شرایط علی به صورت مستقیم در تأمین مالی نقش دارند. در کنار این شرایط می‌توان گفت تأمین مالی تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر نیز قرار دارد. به این معنی که نابرابری جنسیتی، شکاف قانونی و عوامل حاکمیتی که در قالب شرایط زمینه‌ای مطرح شده‌اند و پوشش ورزش زنان و حمایت از ورزش زنان که جزء شرایط مداخله‌گر هستند از طریق اثرگذاری بر کنش‌ها/ راهبردها تأمین مالی را دستخوش تغییر می‌کنند. به موازات آن اگر راهبردها بکار گرفته شود احتمال است پیشرفت و بهبود وضعیت اماکن ورزشی، افزایش بهره‌وری و پوشش هزینه‌ها و ترویج ورزش زنان به عنوان نتیجه و پیامد تأمین مالی پدیدار شود. سرانجام براساس مدل مرحله قبل، گزاره‌ها و توضیحاتی که ارائه شد در شکل شماره (2) طبقات مدل با یکدیگر مرتبط شد و در نهایت مطابق شکل زیر مدل تأمین مالی ورزش‌های سودمحور با تأکید بر ورزش زنان ارائه شد.



شکل 2- مدل تأمین مالی ورزش‌های سودمحور با تأکید بر ورزش زنان

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش طراحی مدل تأمین مالی ورزش‌های سودمحور با تأکید بر ورزش زنان بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد تأمین مالی ورزش‌های سودمحور متأثر از شرایط علی جنبه‌های مدیریتی، جنبه‌های تجاری و بودجه است. بر مبنای مدل پارادایمی این شرایط به طور مستقیم بر مقوله محوری که همانا تأمین مالی است تأثیر می‌گذارند. به این معنی که مباحث و مسائل مرتبط مقوله محوری را خلق و تاحدودی تشریح می‌کنند و منجر به بروز آن می‌شوند. پیشتر تسلیمی و همکاران (2019) در مطالعه خود با بررسی محدودیت‌های فدارسیون‌های ورزشی ایران در تأمین مالی به مقوله‌های مدیریت و بودجه اشاره کرده بودند (14). در این راستا جنبه‌های تجاری اشاره به این دارد که مجرای درآمد مالی در ورزش ایران تعریف

نشده است و در این حال چشم انداز سودآوری وجود ندارد. این مسئله در کنار پرداخت نشدن اعتبارات مالی که به نظر می‌رسد ناشی از عدم برون سپاری و عدم شناخت الزامات تأمین مالی باشد منجر به این شده است باشگاه‌های ورزشی در ایران بیشتر به سمت هزینه محور بودن حرکت کنند. به موازت جنبه‌های تجاری، بودجه نیز بر تأمین مالی ورزش‌های سودمحور تأثیر دارد. از این منظر که تأمین مالی در ورزش‌های مورد نظر مبتنی بر بدهی و به موجب آن چالش‌های در تخصیص بودجه پدیدار شده است، محتمل است تبعیض در دادن بودجه مصوب به فدارسیون‌ها یکی از دلایل این مسئله باشد. شایان ذکر است علاوه بر مقوله‌های نامبرده جنبه‌های مدیریتی نیز به مثابه یک مقوله فرعی بر تأمین مالی تأثیر می‌گذارد. از این منظر که مدیران ستادی نسبت به ورزش زنان صلیقه‌ای عمل می‌کنند، یک برنامه‌ریزی مدون و راهبردی در حوزه ورزش زنان وجود ندارد، نظارت کافی در این زمینه وجود ندارد و کمتر از مدیران زن در رأس فدارسیون‌های ورزشی استفاده می‌شود. ادبیات مدیریت این مسئله را تابع وجود پدیده‌ای موسوم به سقف شیشه‌ای معرفی می‌کند، بر مبنای این پدیده بسیاری از زنان از پیشرفت به‌طرف سطوح بالای سازمانی و مناصب مدیریتی باز داشته می‌شوند و هرچه زنان به سطوح بالاتر می‌رسند سرعت رشد و ارتقاء آنها به نسبت مردان کاهش می‌یابد.

همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که کنش‌ها یا برهم‌کنش‌هایی که از تأمین مالی منتج می‌شود خود متأثر از شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر است. در این بین شرایط زمینه‌ای شرایطی است که راهبردها و اقدامات تحت آن، به اداره تأمین مالی می‌پردازند و شرایط مداخله‌گر شرایط وسیع‌تری است که به عنوان تسهیل‌گر یا محدودکننده راهبردها عمل می‌کند. یکی از شرایط زمینه‌ای در این پژوهش نابرابری جنسیتی است. منظور از نابرابری جنسیتی این است که مردان بر ورزش سلطه دارند به موازات آن فرهنگ جامعه مردسالارانه است و در عین حال جامعه به ورزش زنان نگاه مثبتی ندارد و به همین دلیل مشاهده می‌شود دستمزد زنان نسبت به مردان نابرابر است. در کنار آن نابرابری تخصیص بودجه و عدم حضور زنان در ورزشگاه‌ها نیز مفاهیم نابرابری جنسیتی هستند که به مثابه یک عامل زمینه‌ای بر کنش‌های تأمین مالی تأثیر دارند. شکاف قانونی نیز یکی دیگر از شرایط زمینه‌ای است که پیش‌تر در مطالعه محسنی‌فر و همکاران (2018) و تسلیمی و همکاران (2019) به آن اشاره شده است (13, 14). در این تحقیق منظور از شکاف قانونی این است که باشگاه‌های ورزشی در ایران به‌صورت دولتی و شبه دولتی اداره می‌شوند، از رانتهای دولتی برای تأمین مالی استفاده می‌شود و اینکه در ارتباط با تأمین مالی محدودیت وجود دارد. در ادامه مشخص گردید که عوامل حاکمیتی نیز جزء شرایط زمینه‌ای است و بر کنش‌های تأمین منابع مالی اثرگذار است، از این جهت که ورزش زنان در کشور جایگاه مناسبی ندارد، ساختار مناسبی برای آن لحاظ نشده است و نظام ورزش زنان یکپارچگی لازم

را ندارد. از طرفی مشاهده می‌شود در سیاست‌گذاری‌های کلان ورزش ضعف وجود دارد. به موازات آن پوشش ورزش زنان و حمایت از ورزش زنان به‌عنوان شرایط مداخله‌گر تأمین مالی را به شکل همراه کرده‌اند، مبنی بر اینکه رسانه‌ها ورزش زنان را به درستی پوشش نمی‌دهند، ورزش زنان در ایران کماکان ناشناخته باقی مانده است، هیات‌ها و سازمان‌های ورزشی از ورزش زنان حمایت لازم را بعمل نمی‌آورند، به موازات آن حامیان مالی از ورزش زنان حمایت نمی‌کنند.

در پاسخ به شرایط نامبرده تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که حمایت دولت، ورود شرکاء حقوقی، تقویت تصویر ورزش زنان، هدفمندی درآمدزایی، تأمین وجوه سرمایه‌ای، تأمین وجوه از رویدادها، تأمین وجوه از اماکن در اختیار، تجاری‌سازی ورزش زنان و تأمین وجوه از حامیان مالی از جمله راهبردها و اقداماتی هستند که در این وضعیت به تأمین مالی ورزش‌های سودمحور کمک می‌کنند. در بحث راهبرد حمایت دولت هدف این است که وزارت ورزش و جوانان از ورزش زنان حمایت لازم را بعمل آور، لیگ‌های زنان از جانب دولت توسعه پیدا کند و دولت بسترهای سخت‌افزاری را فراهم کند. همچنین مضمون ورود شرکاء حقوقی اشاره به این دارد که به شرکاء حقوقی شخصیت حقوقی داده شود و از ظرفیت آنها استفاده شود. افزون بر این در راهبرد تقویت تصویر ورزش زنان لازم است نگاه جامعه به ورزش زنان تغییر پیدا کند، ورزش زنان نزد جامعه نهادینه شوند، پوشش رسانه‌ای لازم از ورزش زنان بعمل آید، زنان و مردان در قانون از عدالت جنسیتی برخوردار گردند و غیره. همچنین منظور از هدفمندی درآمدزایی این است که درآمدهای حاصل شده در این حوزه هدایت شود، کمیته بازاریابی در باشگاه‌های ورزشی ایجاد شود و درآمدزایی متمرکز گردد. یکی دیگر از راهبردهای شناسایی شده در این پژوهش تأمین وجوه سرمایه‌ای است که از طریق وام و استقراض، عرضه سهام باشگاه‌های ورزشی زنان، حق امتیاز عضویت، موزه باشگاه و تقسیم سود سهام تحقق پیدا می‌کند. به موازات آن تأمین وجوه از رویدادها از طریق برگزاری رویدادهای سالیانه، فروش حق امتیاز برند برای رویدادهای مختلف، عواید حاصل از حق پخش رویدادهای ورزشی، تبلیغات محیطی، فروش کالاهای ورزشی و عواید حاصل از بلیت فروشی حاصل می‌شود. راهبرد دیگر تأمین وجوه از اماکن در اختیار است که از اجاره اماکن به سازمان‌های دولتی، اجاره اماکن به نهادهای آموزشی، در اختیار قرار دادن اماکن به حامیان مالی و اجاره اماکن به سازمان‌های خصوصی محقق می‌شود.

سرانجام تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد با بکارگیری راهبردهای نامبرده محتمل است وضعیت اماکن ورزشی در اختیار زنان توسعه و بهبود پیدا کند، بهره‌وری افزایش پیدا کند و به موازات آن هزینه‌ها پوشش داده شود و سرانجام ترویج ورزش زنان افزایش پیدا کند. شایان ذکر است پیش‌تر تسلیمی و همکاران (2019) به مقوله‌های پوشش هزینه و بهره‌وری اشاره کرده بودند. در تبیین

این یافته می‌توان گفت پیامدها خروجی‌های تاثیرگذار مشهود و نامشهودی هستند که در اثر طراحی مدل تأمین مالی در ورزش‌های سودمحور ایجاد می‌گردد و خروجی‌های حاصل از بکارگیری راهبردها هستند (14).

شایان ذکر است این پژوهش با محدودیت‌های روبرو بوده است که لازم است در تعمیم‌دهی نتایج مورد توجه قرار گیرد، محدودیت اول اینکه این پژوهش صرفاً دیدگاه صاحب‌نظران را منعکس کرده است لذا نمی‌توان نظرات آنها را به تمامی ذینفعان ورزش زنان تعمیم داد. محدودیت دیگر اینکه تأمین مالی متأثر از شرایط مختلفی است و این شرایط در سطوح مختلفی احتمالاً دسته‌بندی می‌شوند اما در این پژوهش این سطوح و اینکه مشخص گردد کدامیک از شرایط به مراتب مهم‌تر است مشخص نشده است. بر این مبنا به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌گردد با استفاده از یک مطالعه تطبیقی تفاوت‌های و شباهت‌های نظرات تمامی ذینفعان را پیرامون تأمین منابع مالی ورزش‌های سودمحور بررسی کنند و همچنین پیشنهاد می‌شود با استفاه از تحلیل مدل‌سازی معادلات ساختاری عوامل مؤثر بر تأمین منابع مالی سطح‌بندی شود.

به‌طور کلی نتایج این تحقیق نشان داد تأمین مالی ورزش‌های سودمحور با تأکید بر ورزش زنان تحت تأثیر عوامل علی (جنبه‌های تجاری، جنبه‌های مدیریتی، بودجه)، عوامل زمینه‌ای (نابرابری جنسیتی، شکاف قانونی، عوامل حاکمیتی) و عوامل مداخله‌گر (پوشش ورزشی زنان، حمایت از ورزش زنان) قرار دارد و به‌موازات این عوامل راهبردهایی چون حمایت دولت، ورود شرکاء حقوقی، تقویت تصویر ورزش زنان، هدفمندسازی درآمدزایی، تأمین وجوه سرمایه‌ای، تأمین وجوه از رویدادها، تأمین وجوه از اماکن در اختیار، تجاری‌سازی ورزش زنان و تأمین وجوه از حامیان مالی لازم است اجراء شود. لازم به ذکر است با اجرای این راهبردها انتظار می‌رود وضعیت اماکن ورزشی که به زنان ورزشکار خدمات ارائه می‌دهند بهبود پیدا کند و ضمن افزایش بهره‌وری و پوشش هزینه‌ها، ورزش زنان ترویج پیدا کند.

تقدیر و تشکر

از کلیه مشارکت‌کنندگان در تحقیق به پاس زمانیکه برای مصاحبه اختصاص دادند تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

1. Negri A, Bushehri s, Seyedah N. Determining the effective factors on the development of physical education and sports among women of the Islamic Republic of Iran. Journal of sports management. 2011;3(11).
2. Nimrozi N, Sahne B. A comparative study of women's sports participation in Golestan province. Women and Society. 2019;11(43):338-23.
3. Posbergh A. Defining 'woman': A governmentality analysis of how protective policies are created in elite women's sport. International Review for the Sociology of Sport. 2022;10126902211072765.

4. Hanlon C, Taylor T. Workplace Experiences of Women With Disability in Sport Organizations. *Frontiers in Sports and Active Living*. 2022;4.
5. Reece L, McInerney C, Blazek K, Foley B, Schmutz L, Bellew B, et al. Reducing financial barriers through the implementation of voucher incentives to promote children's participation in community sport in Australia. *BMC Public Health*. 2020;20(1):1-7.
6. Thibaut E, Eakins J, Willem A, Scheerder J. Financial barriers for sports consumption: The dynamics of the income–expenditure relation. *Sport, Business and Management: An International Journal*. 2020;10(3):245-61.
7. Hallmann K, Petry K. *Comparative sport development*: Springer; 2013.
8. Gendron M, Soumaré I. Project Finance with Limited Recourse: An Option Pricing Approach to Debt Capacity and Project Risk. *The journal of structured Finance*. 2007;13(3):97-104.
9. Jechoutek KG, Lamech R. *Private power financing: From project finance to corporate finance*. 1995.
10. Rezaei Sufi M, Shabani A. Investigating the effect of mass media on providing financial resources in sports. *Communication management in sports media*. 2013;1(3):46-51.
11. Kazemi M, Zaafrin R, Khodayari A, Javadi-nia S. Identifying business (entrepreneurial) opportunities in the sports industry with an information technology approach. *Entrepreneurship Development*. 2013;23:95-112.
12. Hijazi MS. Methods of financing and managing financial resources of football clubs in developed countries and its comparative analysis with developing countries (specific case: professional football clubs of the Premier League of Iran and England). *Annual conference of new management paradigms in the field of intelligence*. 2016:1-15.
13. Mohseni Far A, Dosti Pasha M, Tabesh S. Analysis of financing obstacles for beach soccer clubs in Iran. *Sports Science Quarterly*. 2017;10(32):41-64.
14. Taslimi Z, Hemtinjad MA, Qolizadeh MH, Paswar MH. The financing framework of grassroots sports federations based on self-sufficiency. *Sports Management and Development Quarterly*. 2019;8(4):41-50.
15. Khosravipour Z, Rehani M, Taslimi Z. Investigating the supply of sports startups. *Sports Management Studies*. 2021;13(69):1-32.
16. Kościółek S. Do sports clubs differ from other non-governmental organizations in terms of revenue sources? The case of Poland. *Ekonomia i Prawo Economics and Law*. 2019;18(3):283-94.
17. Ghio A, Ruberti M, Verona R. Financial constraints on sport organizations' cost efficiency: The impact of financial fair play on Italian soccer clubs. *Applied Economics*. 2019;51(24):2623-38.
18. Fühner J, Schmidt SL, Schreyer D. Are diversified football clubs better prepared for a crisis? First empirical evidence from the stock market. *European Sport Management Quarterly*. 2021;21(3):350-73.
19. ERKOÇAK HE, Mustafa A. The Effect of Financial and Sports Achievements of Football Clubs on Stock Values: A Study on European and Super League Clubs. *Turkish Journal of Sport and Exercise*. 2020;22(3):402-13.
20. Stewart B. *Sport funding and finance*: Routledge; 2017.
21. Nemeč J, Nemeč M, Pavlík M. Public financing of sports in the Czech Republic and the Slovak Republic: processes and their evaluation. *Life science journal*. 2014;11(12):537-41.

22. Cieśliński WB, Perechuda I. Profit and non-profit sports clubs: financial and organizational comparison in Poland. *International Journal of Social, Behavioral, Educational, Economic, Business and Industrial Engineering*. 2015;9(6):2110-4.

IB Press